

میراثیه‌ای
برای رؤیای آمریکایی
ده اصل در باب تمرکز ثروت و قدرت

نوام چامسکی | مترجم: محمد نمیری

مرثیه‌ای برای رؤیای آمریکایی
ده اصل در باب تمرکز ثروت و قدرت

نویسنده: نوام چامسکی
مترجم: محمد نصیری
ویراستار: سحر لطفعلی

طراح جلد: حسین کریم زاده
صفحه‌آرایی: علیرضا زمانی

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۵۹۹۶-۵۰-۲
نوبت چاپ: پنجم-۱۴۰۳
شمارگان: ۵۰۰ نسخه

تمام حقوق چاپ و نشر، محفوظ
و متعلق به نشر صاد است

نشانی تهران: خیابان انقلاب اسلامی - بین ابوریحان
و مسطین - نبش است - سروش - پلاک ۲
شماره نما: ۱۶۰۰۶۶۴۷۰۰۲۱

سرشناسه: چامسکی، نوام، ۱۹۲۸-۱۹۲۸، Chomsky, Noam
عنوان و نام پدیدآور: مرثیه‌ای برای رؤیای آمریکایی: ده اصل در
باب تمرکز ثروت و قدرت / نوام چامسکی - مترجم: محمد نصیری.
مشخصات نشر: تهران: نشر صاد، ۱۴۰۳.
مشخصات ظاهری: ۱۵۲ ص:، ۱۸x۱۲ س.م.
فروست: پژوهش.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۵۹۹۶-۵۰-۲
وضعیت فهرست‌نویسی: فیا
یادداشت: عنوان اصلی:

Requiem for the American dream : the 10 principles of
concentration of wealth & power, c2017.

یادداشت: نمایه.

یادداشت: کتابنامه: ص. ۱۸۳-۱۸۷.

عنوان دیگر: ده اصل در باب تمرکز ثروت و قدرت.

موضوع: درآمد -- ایالات متحده -- توزیع

Income distribution -- United States

قدرت (علوم اجتماعی) -- ایالات متحده

Power (Social sciences) -- United States

شناسه افزوده: نصیری، محمد، ۱۳۶۷-، مترجم

رده‌بندی کنگره: HC۷۹

رده‌بندی دیویی: ۳۳۹/۲۰۹۷۳

شماره کتابشناسی ملی: ۷۶۳۳۹۳۹

فهرست

۹	مقدمه مترجم
۱۱	نکته ای دربارهٔ رؤیای آمریکایی
۱۵	مقدمه
۱۷	اصل اول: کاهش دموکراسی
۲۹	اصل دوم: ایجاد ایدئولوژی
۴۱	اصل سوم: طراحی مجدد اقتصاد
۵۳	اصل چهارم: سنگین کردن دوش مردم
۶۵	اصل پنجم: حمله به هم‌بستگی
۷۵	اصل ششم: سلطه بر قانون‌گذاران
۸۹	اصل هفتم: مهندسی انتخابات
۹۷	اصل هشتم: سربه‌راه کردن تودهٔ مردم
۱۰۹	اصل نهم: رضایت‌سازی
۱۲۱	اصل دهم: به حاشیه راندن مردم
۱۳۹	منبع شاهد مثال‌ها
۱۴۵	نمایه

مقدمه مترجم

نوام چامسکی، اندیشمند و کاشف سیاسی و البته زبان‌شناس آمریکایی، نیاز به معرفی ندارد، بنابراین تنها به چند نکته مهم می‌پردازم.

اول آنکه، «مرثیه‌ای برای رؤیای آمریکایی» در ده فصل تنظیم شده و به ده مصیبت نئولیبرالیسم (سرمایه‌داری از دهه ۱۹۷۰ به بعد) در جامعه آمریکا می‌پردازد، ولی از آنجا که نئولیبرالیسم، واقعیت حاکم بر جهان است، بلایی که چامسکی از آن سخن می‌گوید تبدیل به یک امر جهان‌گیر شده و تنها اختصاص به آمریکا ندارد و برای همه شهروندان عادی دنیا دردی محسوس است. این اثر صرفاً اقتصادی نیست و نویسنده پس از ارائه مشکلات اقتصادی‌ای که نئولیبرالیسم برپا کرده، به اثرگذاری‌های سیاسی و اجتماعی این بحران می‌پردازد و مانند دو اقتصاددان برجسته یعنی پل کروگمن و جوزف استیگلیتز، مشکل نئولیبرالیسم را بیش از نحوه تولید ثروت، در نابرابری توزیعی آن می‌داند.

دوم آنکه، این کتاب، فصلی در اقتصاد سیاسی است و مفاهیم و معانی مهم در سنجش اقتصاد سیاسی معاصر را با زبانی ساده در اختیار خواننده قرار می‌دهد.

سوم آنکه، هرچند از ارائه یک ترجمه انتقادی خودداری کرده‌ام ولی کوشیده‌ام در برخی موارد، با ارائه پاورقی، خواننده نوآموز را به درک بهتر موضوع راهنمایی کنم. ضمناً همه پاورقی‌ها از مترجم است.

چهارم آنکه، اگر ترجمه، انتقادی نیست دست‌کم خواننده می‌تواند به یک خوانش انتقادی دست بزند. برای نمونه، به خوانندگان ماجراجو دو کتاب خوش‌خوان و کم‌حجم معرفی می‌کنم که می‌توانند در کنار «مرثیه‌ای برای رؤیای آمریکایی» مطالعه کنند، هرچند کتاب‌های گران‌سنگ دیگری نیز در دست هستند. اول، کتاب «اقتصاد را تسخیر کنید!»، اثر ریچارد ولف و با ترجمه شیوای مهرداد (عبدالله شهبازی)؛ دوم، «سرمایه‌داری فردا؟»، اثر دیوید کاتن و با ترجمه کامران سپهری. کتاب‌های دیوید هاروی مانند «تاریخ مختصر نئولیبرالیسم» یا «دکترین شوک» اثر نائیمی کلاین، یا «بهای نابرابری» نوشته جوزف استیگلیتز نیز راه‌گشا خواهند بود.

پنجم آنکه، باید از دو دهه است برای کمک به ترجمه این کتاب تشکر کنم: نیما داودآبادی، بابت نمونه‌خواهی، تامل، اولیه و ارائه پیشنهادهای سودمند؛ و یاسمین خلیقی، بابت برطرف کردن تردیدها یا اشتباهات من در ترجمه چندین جمله.

نکته‌ای درباره‌ی رؤیای آمریکایی

در زمانه‌ی رکود بزرگ، که آن قدر سی‌دو سال به یاد بیاورمش، اوضاع بد بود و دغدغه‌های ذهنی، خیلی بیشتر از امروز. ولی این احساس وجود داشت که سرانجام از این وضع خارج می‌شویم، که اوضاع بهتر می‌شود؛ «شاید امروز شغلی نداشته باشیم؛ ولی فردایی هست که مشاغل باطنی در دند و باهم برای آینده‌ای بهتر کار خواهیم کرد.» آن موقع، دوره‌ی رادیکالیسم سیاسی بود که امیدوارانه به ایجاد آینده‌ای متفاوت می‌اندیشید؛ آینده‌ای با عدالت و برابری و آزادی بیشتر، نابودی ساختارهای طبقاتی سرکوبگر و مانند این‌ها. یک احساس کلی عمومی وجود داشت که «سرانجام اوضاع ردیف می‌شود».

برای مثال، بیشتر اعضای خانواده‌ی من از طبقه‌ی کارگر و البته بیکار بودند. ظهور نهضت‌های اتحادیه‌ای، پیامد و همچنین سرچشمه‌ی خوش‌بینی و امیدواری بود. ولی امروز خبری از این چیزها نیست. این روزها همگان یک احساس غریب دارند، احساسی که می‌گویند هیچ چیز مثل سابق نمی‌شود، هرچه بوده تمام شده و رفته.

رؤیای آمریکایی مانند بیشتر رؤیاها، عنصری از افسانه‌پردازی در خود دارد.

یکی از منابع رؤیای آمریکایی قرن نوزدهم، یک داستان از هوراسیو آلجر بود که می‌گفت: «ما خیلی بدبختیم؛ ولی می‌خواهیم سخت کار کنیم و راه نجاتی بیابیم». که تاحذی با واقعیت جور بود. پدر خود را در نظر بگیرید. او در سال ۱۹۱۳ از یک روستای بسیار فقیر در شرق اروپا به آمریکا آمد. در یک کارگاه در بالتیمور کاری پیدا کرد و به تدریج خودش را بالا کشید، به کالج رفت، مدرک گرفت و در نهایت هم دکتر گرفت. او زندگی را در آنچه بدان سبک زندگی «طبقه متوسط» می‌گویند، وداع گفت. خیلی‌های دیگر نیز همین داستان را داشتند. قدیم‌ها، مهاجران اروپایی این امکان را داشتند که در آمریکا به سطحی از ثروت و امتیاز و آزادی و استقلال دست یابند که در میهن خود فکرش را هم نمی‌توانستند بکنند.

ولی اکنون می‌دانیم که دیگر چنین چیزی شدنی نیست. در واقع، تحرک اجتماعی در آمریکا از آنجا که راست. ولی رؤیای آمریکایی، رؤیایی که با پروپاگاندا گسترش یافت، همچنان پابرجاست. در همه سخنرانی‌های سیاسی می‌شنوید که می‌گویند: «به من رأی دهید. رؤیای آمریکایی را دوباره محقق کنیم». همه سیاست‌مداران با واژگانی مشابه، همین حرف را تکرار می‌کنند. این حرف را حتی از آدم‌هایی که دارند این رؤیا را در سینه با نادانسته خراب می‌کنند هم می‌شنوید؛ ولی «رؤیای آمریکایی» باید حفظ شود. و نه با مردم ثروتمندترین و قدرتمندترین کشور تاریخ، با مزیت‌های آن چنانی‌اش. نه واقعیت امر را در اطراف خود می‌بینند چطور می‌شود کنار آمد؟

نابرابری کنونی واقعاً بی‌سابقه است. اگر نابرابری امروز را در مجموع بنگرید می‌بینید که مثل نابرابری در بدترین دوره‌های تاریخ آمریکاست. ولی اگر زوایدش را کنار بزنید می‌بینید این نابرابری، ناشی از تمرکز ثروت بسیار در بخش کوچکی از جامعه است، یعنی در چیزی کمتر از یک درصد جامعه.

دوره‌هایی بود مانند عصر طلایی دهه ۱۸۹۰ و دهه پرهیاهوی ۱۹۲۰ و غیره که وضعیت شبیه الان بود، ولی دوره کنونی، نهایت آن‌هاست. اگر به توزیع ثروت بنگرید درمی‌یابید که نابرابری عمده‌تر ناشی از آبرو ثروتمندهاست یعنی دقیقاً ناشی

از آن یک‌دهم درصدی که واقعاً ابرثروتمند هستند. این نابرابری، نتیجهٔ تغییری بیش از سی ساله در سیاست‌گذاری‌های اجتماعی و اقتصادی است. اگر بررسی کنید می‌بینید در این بیش از سی سال، سیاست دولت کاملاً علیه ارادهٔ مردم شده تا به ثروتمندان سود برساند و در این سی سال، درآمد بیشتر مردم، یعنی درآمد اکثریت جامعهٔ آمریکا تقریباً ثابت مانده است. طبقهٔ متوسط در معنای آمریکایی آن، زیر حمله‌ای شدید قرار دارد.

بخش بزرگی از رؤیای آمریکایی، امکان تحرک طبقاتی است: آدم، فقیر متولد می‌شود ولی سخت کار می‌کند و ثروتمند می‌شود. این ایده که همه می‌توانند یک شغل آبرومند داشته باشند، خانه بخرند، ماشین دار بشوند، بچه‌هایشان را به مدرسه بفرستند متلاشی شده است.

مقدمه

فکر کنید از کرهٔ مریخ آمده‌اید. به جامعهٔ آمریکا نظری بیندازید. در آن چه چیز می‌بینید؟

در ایالات متحده، ارزش‌های ادعایی ای مانند دموکراسی وجود دارد. در یک دموکراسی، آرای عمومی بر سیاست‌گذاری‌ها تأثیر دارد. بنا بر این، حکومت کارهایی می‌کند که مردم مقرر کرده‌اند. معنای دموکراسی این است و این مهم آن است که بخش‌های ممتاز و قدرتمند، به دلایل بسیار خوبی، هرگز دموکراسی را دوست نداشته‌اند. دموکراسی، قدرت را در دست عامهٔ مردم می‌گذارد و آن را از دست افراد ممتاز و قدرتمند می‌گیرد. معنای تمرکز ثروت و قدرت این است.

چرخهٔ معیوب

تمرکز ثروت سبب تمرکز قدرت می‌شود، به خصوص که هزینهٔ شرکت در انتخابات به سرعت بالا می‌رود و این مطلب، احزاب سیاسی را هرچه بیشتر به جیب شرکت‌های بزرگ وصل می‌کند. این قدرت سیاسی سریعاً به تصویب قوانینی می‌انجامد که ثروت را متمرکزتر می‌کنند. بدین ترتیب، سیاست‌های مالیّه از قبیل

قوانین مالیاتی، مقررات زدایی، قوانین اداره شرکت‌ها و همچنین اقدامات سیاسی در جهت افزایش تمرکز ثروت و قدرت، منجر به قدرت سیاسی بیشتر برای انجام همین اقدامات می‌شود؛ این همان چیزی است که اکنون شاهدش هستیم و این «چرخه معیوب» دارد رشد می‌کند.

یک اصل زننده

ثروت همیشه کنترل بیش از حدی بر سیاست‌گذاری‌ها داشته است. در واقع، ریشه‌اش چند سده پیش بازمی‌گردد. همه می‌دانند این اصل را آدام اسمیت در سال ۱۷۷۶ تشریح کرد. اگر کتاب معروف ثروت ملل را بخوانیم می‌بینیم که او می‌گوید در انگلستان، آن‌هایی «معماران اصلی سیاست‌گذاری‌ها» هستند که صاحب مملکت باشند. در عصر او، یعنی «تاجران و تولیدکنندگان»- اینان باید مطمئن شوند که منافعشان به خوبی تأمین می‌شود و مهم نیست این تأمین منافع آنان، چه تأثیر «در ناچار مردم انگلستان و دیگران برجای می‌نهد. در دوره ما، تاجران و تولیدکنندگان برای خود را به نهادهای مالی و شرکت‌های چندملیتی داده‌اند، آدم‌هایی که آدام اسمیت، «آربابان نوع بشر» نامید و هم اینان دارند از «اصل زننده» پیروی می‌کنند. «همه چیز برای ما، هیچ چیز برای دیگران.» آنان فقط سیاست‌هایی را دنبال می‌کنند که به نفع خودشان باشد و به ضرر دیگران.

خب، این همان اصل عمومی سیاست است که در ایالات متحده به دقت مطالعه شده است. این‌ها همان سیاست‌هایی هستند که به طور روزافزون دنبال شده‌اند و در غیاب واکنش عمومی مردم، باید منتظر باشیم باز هم دنبال شوند.